با یک نگاه اجمالی می بینیم که فضای مکث و

تمركز از بین میرود و شهر صرفا به ساختاری

حركتي تبديل ميشود، عبور و نامكان تصوير

غالب شــهر می شوند و شــهر قرار است نقشی انتقالی ایفا کند و مکان هـا و تصاویر تبدیل به

در تاکسی، میهمانی، محل کار واساسادر هر جایی میشنویم آلودگی هوا، آلودگی صوتی و

آلودگی بصری و عواملی از این دست آرامش فرد-جامعه را هدف می گیرند، استرس و فشار

اینها بخشهایسی از معضلات و مشــکلات کلانشهرهای ما اسـت که برای یافتن راهحل

لازم است بر گردیتم و مندل اولینه را مورد

اساس (کلان)شیهرها را اقتصاد، سیا

و تولیــد شــکل میدهنــد کلانشــهرهای

۱۰هـزار سـال پي

بزرگترین رویــداد جهانی

ت(كـــه البتـــه ه

نمدن هــا و فر هنگ هــا به

ان راه نيافتند و مشكل از

اینجا آغاز میشُود چراکه در شـرق مدل وارداتی به

افتاد)، گسترش و توسعه

یافتند و این کلانشهرهای

روپایی به هر حال شهر های

وليدكننده بودند و اساسا

هجوم روستاییان و به تبع

آن افزایش جمعیت شهری و تبدیل کشـاورز به کار گر

و صنعتگر ناظر بر همین

مسألهاست

به هر حال باید بدانیم که برای شــکل گیری

دورههای گذشته (از دوران قاجار) گرتهبرداری

شکلی را پایه گذاری کردند و کلانشهر عمدتا

مدلی وارداتی است که کماکان بر همان منوال

پیشمیرود. در بُعد سیاسی، مشارکت شـهروندان در

عرصههای فعالیتی و تصمیمسازی شهر یکی

کلاتشهر هاست. وار د شدن مر دم به مسائل

نخبه گرایانه که از راه دور منجر به ترسیم طرح جامع برای شــهرهای ما میشــود (طرحهای

جامعی که بعضا در هویتزدایی و از بین بردن ساختارها نقش اساسی دارند و نظم اقتصادی

مردموشهر رابر هم میزنند) قطعامی توانند در

درُ عمده كلاتشهرُهاي دنيا، طرحهاو پروژهها

نهيه پرسشــنامه و نظرســنجي از شهروندان

به تصمیم گیری گذاشـــته می شوند و چنانچه

مديريت شهري مستقل عمل كند قطعا بايد

نوسعه سیستم حملونقل عمومی به جای

ازدیاد بزرگراه، خودرو و تخریب شهر نیز یکی

ر ما موظفیــم مراقب شــهرهایمان و حفظ هویتشان باشیم. فراموشی، خاموشی نیست،

به صــورت مشــار کتی (که صوری نباش

بهبوداوضاع کارساز باشند.

باسخگەياشد.

ز اهکار هاست.

بتر زندگی شان و دوری از مدل های

از مظاهر تقويت و بهبود و اصلاح ساخ

شهر و ب

ر رہے۔ اروپایی با انقلاب صنعتی کے به اذعان برخی

سناسايي قرار دهيم ومدل بعدي را اصلاح

معضلات كليشهاى وهم

هیچ کجاخواهند شد.

راً جايگزين مي کنند و س مىبرندواين عصبيت دوباره تأثير خودرا در

كنىي

،ھای

(كَلَان)شهرهاىماخواهد گذاشت.

دىدگاە

يت را بالا

گفت<mark>وگو با اسماعیل شیعه درباره آسیبهای پیش روی کلان شهرها</mark>

ی فیال پیشرفت. پیشـرفت دوستش نمی داریم. آنقدر بزرگمی شود که دلزدگی و یکنواختیاش دامیان شیهروندان را میگیرد. در کتاب «مقدمهای بر جامعه شناسی ایران» (نوشته دکتر راسیخ و دکتر بهنام) دربیاره تعریف دلزدگی _ان بەصورت يكنواخت و دلزدگی انس آمده مینداست. عاورت می است و به صورت پسور می و در زمینه ای خاکستری ظاهر می شود و هیچ شیئی بر دیگری رحجان ندارد و این حالت باز تاب دقیق ذهنی اقتصاد پولی است که کاملاً درونی شده اسـت.» در شهر های کشور های توسـعه نیافته، هر چند تنهایی و عزلت و عـدم صمیمیتها که در کل پید میں بی در در در در میں منعتی ملاحظہ می شود بہ آن شہرهای کشورهای صنعتی ملاحظہ می شود بہ آن شہدت بروز و ظهور نکردہ اما شہر در این کسورها ویژ گی های خاص خــود را دارد کــه مهم ترین آن در «تأخر فرهنگی»و عدم هماهنگی انســان با ماشین خلاصه می شــود. حر کات نامناســب و کــچ و معوج خلاصه می شــود. حر دان نامناسب ر ـــــر ـــــر وسایل نقلیه و عدم رعایت مقر رات رانندگی در کنار عـه، غبر محتاطانه و بی رو یه پیاده هااز وسط خیابان وحرکت تندونامناسبوز بگزاگمو تور سیکلت هااز يادهروها واز وسط خودروها و عابران ن . نشان میده نه هر چند ظواهر زندگی شــهری در این کشــورها تغییر کرده اماً هنوز فرهنگ شهرنشینی در رفتار و اذهان شهرنشینان جایگزین نشده است. ولگردی و پرسهزدن در خیابانها، پدیده دیگری است که میان پرسد (من در میبانی)) پرینده دیدوی)، سب که بیان زنان و مردان کشــورهای توسعه نیافته در شهرهای بزرگ رایج است. شهر در این کشــورها ملغمهای از گروهها و اقوام و طبقات متعددی است که با یکدیگر هماهنگسی نــدار دو موجـب رنــج و حرمان زدگی و عصبانیت افراد می شــود. کجر فتاری نه تنها شامل قانون شكنى وبزهكارى جوانان مى شودبلكه فحشا، اعتياد به مواد مخدر وقاجياق وفروش آن را به دنبال داردونسبت جرایہ در شهرها بالامی رود. این جملات نشــان دهنده بخش کوچکــی از آن چیزی است که آسیبهای موجود در کلان شهر ها نام دارد. عضوهيأت علمى رسمى گروه شهر سازى، دانشكد معماري وشهر سازي دانشگاه علم و صنعت اير ان ری میر میرون دانستاه علموص بامااست تادرباره بخش مهمی از آسید شهرهای بزرگ با آن مواجه هستند صحب بھایی کہ نندصحىت كند:

درباره آسيبهاومشكلات احتمالي كه در ابتدا کم ئلانشهرهاى يران باآن مواجه هستند، صحبت كن بگذارید با استفاده از واژه کلانشیم, مخالفت کنم. از

دیدگاه علمی استفاده از واژه کلانشهر برای شهرهای ایران، درست نیست. زیرا از منظر واژه شناسی، کلانشهر مجموعهٔ ای بزرگ متشَّکل از چُندُ مادر ش ہر اسے . بنابراین این اصطــلاح در ایران در معنــای اداری به کار گرفته میشود. بهتر است به جای کلائشهر از بزرگ شهر استفاده کنیم شده های بزرگ ایران با مسائل فراهاند بم. شــهرهای بزرگ ایران با مسائل فراوانی مواجه هستند که از میان آنها می توان به تمر کز جمعیت، جران رفتوآمد، بحران مسكن، بحران آلودگی هوا، كاهش سطحز يربنای واحدهای مسكونی،مشكل اشتغال و کم بودن تأسیسات خدمتر سان به محلهها اشاره کرد. علت ایجاد این مشــکلات در شــهرهای بزرگ آن است که برنامه ریزی منطقه ای در سطح کشور ضعیف است. وقتی برنامه ریزی منطقه ای باضعف مواجه باشد، توجه به سوی نقاط متمر کز جلب میشود. شهرهای بزرگ همه نوع امکانات رفاهی را که شامل درمان، آموزش، خدمات تفریحــی و خدمات و تاسیســاتی (کــه توانایی برطرف کردن نیازهای روزمره زندگی را امارند) است، در مقایسه اير مناطق كشور داراه باشهرهای کوچک و س سوى ديگر امكان اشتغال و كسب در آمد بيشتر هم در اين شهرها بیش از سایر مناطق است بنابراین سهم عمدمای زجمعیت (خصوصا جمعیت بیکار وجمعیتی که از نظر اقتصادىبامشكل مواجه هستند) جذب شهرهاى بزر گ ی. میشوند. همین موضوع، هم گستردگی شــهرها را به همراه دارد و هم باعث دامن زدن به بحران هایی می شود که تحت تأثیر افزایش تراکمهای ساختمانی هستند. به صورت خلاصه برای حل مشکلات این کشور باید پراکنش جمُعیت را معتدل کنیم. شــهرهای بزرگ ما معمولا به لحاظ دارابودن امکانات رفاهی جمعیت بیشتری را جذب می کنند و در ادامه بحران بافتهایی با مسکن نامتعادل، یی مساو در شد به طرح جامعایی با مسام مسام می می اید. حاشیه نشینی یا سکونتگاه غیرر سمی به وجود می آید. کسانی که توان اقتصادی بالایی دارند و می توانند جذب درون شهر شوند، این کار را انجام می دهند و کسانی هم که این توانایی را ندارند به حاشیه شهر ها می روند و بنیاد بین و بی رسمی را به در غیر از شهرهای ایران سکونتهای غیررسـمی را که در غیر از شهرهای ایران شاهدآن هستیم می گذارند.(باید به این نکته توجه داشت که حاشیه نشینی خاص شهرهای بزرگ نیست، برخی از شهرهاباجمعیت متوسط هر به دلیل این که محلی برای برطرف کـردن نیازهای رفاهی منطقه خود به حسـاب میآیند، شــآهد چنین مَعضلی هســـتند). عامل اصلی مشکلاتی که شــهرهای بزرگ مابا آنها دست به گریبان هستند تمر کز گرایی و برنامههای تمر کزی است که در طول دههاسال در کشور به مرحله اجرا در آمدهاند.

حالا كه مشخص است عامل به وجود آمدن مشكلات از دەھاسال پیش به وجود آمده، می شود گفت مشکلاتی که امروز شــهرهای بزرگ ایران با آنها دســت و پنجه نرم میکنندقابل پیش بینی بودهاند. شمابااین جمله موافقید؟ مسلمااگر قرار باشد به تجربیات جهانی توجه کنیم، حتما بایداین معضلات را قابل پیش بینے ربدانیم. البتہ در این مورد نهتنها تسهیلات رفاهی و تمرکز فعالیتها، بلکه نقش دهی نامتناسب اثر گذار بودهاند بهعنوان مثال برای شهری که نقش کشاورزی دارد، نقش صنعتی هم در نظر گرفته می شود. این موضوع به خودی خود، عامل تمرکز استوبه بندانش مشکلاتی کهدریار و آنها صحبت کر دیم می انجامد. معمولا این موارد قابل پیش بینی بودهاند. قبل از ســال ۱۳۲۰ اما هم مسکن حالت متعادلی داشت و هم بهرهابهلحاظ جمعيتي چنينوضعي نداش



مطور عمده از دهه ۴۰ به بعد تحت تأثير صنعتے نشــور و در پرتو برنامههای صنعتی شــدن بروز کرد. در دوره بعداز انقلاب اسلامی هم این قضیه در چندین شهر گسترش نامتوازن ادامه پیداکرد. تا این قسمت از بحث به نقطه آغاز و فرجام گسترش برخی شهرها اشاره کردید. در این میان اما تفاقاتی افتاده که مارا از نقطه آغازین به اکنون رسانده است. در آغاز ماجراانگیزهفر دی، مثبت بودهاست. به عنوان مثال یک فرد کوشـیده تــا برای تأمیـــن هزینه های زندكى خود وخانوادماش به شهر بيايد و آنها رااز فقر برهاند. اما در ادامه وضعی به وجود آمده که کل جامعه را در گیر کرده. اگر همه این مشکلات قابل پیش بینی بوده چرا تابه حال فکری به حالش نکر دهایم واز سوی ديگر چراآن هدف مثبت بارو يكردهاى مناسب پاسخ دادەنشد تابااينوضع مواجەشويم؟

. ىنابع آب

زر گتریمواجههستند.

راينبارهچەنظرىدارىد؟

وان أقتصادي خانواده ها متفاوت است. همين تفاوت ها

باعث مىشود ما بهُ جاى آن كُه سراغ قطعات مسكونى

معمول در سنت هايمان برويم، به آيار تمان نشيني رو آوريم.

ممین مورد باعث می شود شکل و شمایلی از ساختمان. اِ شاهد باشیم که ساختمان های آن نه ار تباطی با محید

طبيعي دارد، نه محيط فر هنگي و نه حتي با محل استقرار

نبت ی ر انهاار تباط دارد. آنچه بیش از هر چیز دیگری در شهرهای ما دیده می شــود، نقش اقتصادی است که ریخت و قواره

اگر بُخواهیم نگاهی تطبیقی به موضع داشته باش

در صبور ت امیکان تفاوت بین یک شبیور بیز رگ در

نشورهای توسیعه یافته را با شیهرهای بزرگ ایران

ما بیان کنید. عوامل توسعهای در آن شهرها در چه

زيربنايى شكل مى گيرند كه با معضلات پيشروى ما

در این باره می شُـود چنـد نمونه را بیان کـرد برخی شـهرها مثل پاریس، لنــدن و هامبورگ (بــه ویژه در

کشـــور های از ویایے رو آمریکا) هســــتند که از قدیم محل

نستورهای روبایی و امریکا مستند ندار ندیم محل تمرکز جمعیت بودند آنها هنوز هم شرایط خود را حفظ کردهاند اما برنامحهای آنها به سسوی تمریکز گرایی نوقت و حتی در کشتوری مثل فرانسته سعی کردهاند تعداد جمعیت شهری را به ۲هزار نفر رساندهاند یعنی گفتهاند

مر منطقهای که ۲هزار نفر جمعیت داشته باشد شهر به

وردند وبرنامه ريسزى ازجزبه كل صورت گرفته. بنابراين

ازجُملهايُن مواردُ جلوگيرياز غريبه بودن جمعيت با هم، بحران آلودگي هوا،رفت و آمدو حتي بحران مسكن است.

جون آن منطقه شهر به حسـاب مے آید هر فر دی که در

منطقه موردنظر زندگی می کنداز امکانات شهر های بزرگ

ساب مي آيد. خود به ُ خود شسهرها امكاناتي را به د

برکز ۲هزار نفر در هر شهر به جای تمرکز چندم ر از از از سریم به به به مواردی شده است که نفر در هر شبهر باعث رسیدن به مواردی شده است که

شهرهاراتحتتأثيرقراردادهاست.

بواجه نمی شوند؟

ین موضوع دلایل مختلفی دارد. واقعا نمی شود در یک گفتوگوی کوتاه به صورت کامل آن را مورد بررسی قرار داد بااین وجود می شود گفت از دهه ۱۳۹۰ به بعد شاهد نوعی رکوداقتصادی در ایران هستیم که دامنه اش تا سال ۱۳۵۰ امتــداد دارد. ما مجبور بودیم به منظور جلو گیری از رکود بهوجود آمده سلسله اقداماتی را در نقاط مختلف رخی از شــهرها انجام دهیم تــا بشــود از آن رهگذر به اشتغالزايى رسيدواز سوى ديگر با عبور از ركوداقتصادى بەدر آمدزایے برسدوحتے برنامەھای عمرانے مختلفی که . در کشور در دوران قبل از انقلاب اسلامی نوشته شد، با این هدف بود که هر جایی که جمعیتی دارد، بتواند جمعیتی اشاغل کند.

خودبهخود بعد از آن، مسأله در یک روال غلط مح شد. يعنى به جاى آن كه منطقهاىنگرى كنيم، متاسفانه بخشینگری کردیم. همین بخشینگری با شنار از برنامه ها در تداخل با برخی از شـهرها، به مرحله اجرا ر رآمدند بهعنوان مثال اصلاحات ارضی و صنعتی شدن نشور دونقطه متقابل برای هم بودند اما همزمان به مرحله اجرار سیدند. تداخل این دو برنامه، به تمرکز جمعیت در شهرهای بزرگ زمان خوددامن زدنــد بعداز آن هم حتی در دوران بعداز انقلاب اســلامی تشدید پیدا کردن این برنامه ها، در چنین شــهرهایی باعث پیدایش نوعی شهرهای گسترده که روال عادی در گسترش آنها وجود نداشـــته بوديم. به همين خاطر افزايش جمعيت كشور و سرریز آن داخل شهرها محقق شد. در سال ۱۳۳۵ ایران ۱۵ میلیون نفر جمعیت داشت و در سال ۱۳۴۵ جمعیت سال ۱۳۳۵ ایران ايران چيزی حدود ۲۶ميليون نفر بود. امروز اما چيزی حدود ۲۵ تا ۸۰ميليون نفر جمعيت داريم عمده جمعيت ىوجُود در كشــوّر راهى شُــهرها و در آن جا ساكن شدند. ين مسأله روز به روز مشكلات شــهرهاى بزرگ ايران را بیشتر می کند. در ضمن ما را با بحران های محیطز یا نظير از بين رفتن مراتع طبيعي اطراف شمهرهاي بزرگ

•در ایـران کمتر از ۱۰میلیون وسـیله نقلیه داریم که در تمام شـ نند. می دانیم کــه همین تعداد خــودرو، عمده در حال حر کت ه شُهرهای بزرگ مارا با بحران رفت و آمدرو به رو کرده است. در حالی که کشــور آلمان که تقریبا یک پنجم ایران مســاحت دارد ۲۶ میلیون سیله نقلیه دار دامامعضل تر افیکش بسیار کمتر از مااست. محله محور بودن، جلوگیری از ورودوسایل نقلیه به محلهها، تقویہ مودت ها و دوســـتی های فرهنگــی و دیرینه و البته بر مبنای س حرکت کردن بهترین راهکارهاست. ما باید حول و حوش محورهای محله ای کارکنیم.

شكل را به جای آن که روی شــهر بزرگی چون تهران و اصفهان نتمر کز کننداز طُریق ایجاد شُهرهای جدید کوچک رفع کردهانــد در آلمان برنامهریزیها بســیار دورنگرانه بوده.

نمام شهرها در حال حرکت هستند. می دانیم که همین عدادخودرو،عمده شهرهای بزرگمارابا بحران رفتوآمد تمام شهرها درحال حركت هسا روبهرو کرده است. در حالی که کشور آلمان که تقریبا یک پنجم ایران مساحت دارد ۲۶میلیون وسیله نقلیه دارد اما معضل ترافیکش بسیار کمتر از مااست. این موضوع نشان یدهد ساختارهای کالبدی بافتهای شهری ما توان قابله رفت وآمدوسایل نقلیه رانداشته است. همین موضع همينموضع باعثاز هم پاشیدگی قواره زمین و کاربری های زمین شده

محلهها، تقویت مودتها و دوستیهای فرهنگی و دیرینه والبته بر مبنای سنت حرکت کردن بهترین راهکارهاست. مُاباید حُول وحوش محورُهای مُحلّهای کَار کُنیم. بُهعنوان مثال خیلی خوشحالم که در محلههای منطقه ۸ تهران جلوى ورود خودروهاى غريبه داخل محلهها گرفته شده . و خیابان های اصلی به عنوان محل تردد اعلام شدهاند. این کار خود به خود نوعی انسجام، آرامش و اطمینان همراه با تهای اجتماعی را در میان محله فراهم می کند و در عین حال به محیط منا ــبىبراى رفتوآ سه تبدیل میشود که در آن خبری از اختلالات

- ی. . اگـر نگوییــم تمــام مشــکلات کلاتشــهرها دارای زمینه های فرهنگی هستند، اما هیچ کـدام هم با موضوع فرهنگ بیگانـه نیستند. بنابراین جوامع

شهرى تااندازهز يادى از وجوداين آم میں مسالفاینجاست که به جای متوجه کردن جامعه باید نیازهای آن را برطرف کنیم. مــا باید برنامه ریزی هایمان ت کنیم. اگر بهترین برنامه هارا هم اجرا کنید که بنا باشد بهبود انسبجام محله ای را در پی داشته باشد و به بنسب بهبود مستجم محمدی رو رو پی دست بست و نقش های فرهنگی سنتی مارا احیا کند، تازمانی که اجازه فروش تراکم در هر نقطهٔ ای از تهران داده می شــود، عملا رز کار ۴٫۲ را ۲ را کاری از پیش نخواهید برد. در چنین شرایطی گرودهای جدیدی از جمعیت بـــرای زندگی در خانههایی که تراکم خریدهاند ســاکن میشــوند. در چنین فضاهایی نه تنها ا

نامتعادل هم جلو گیری کنیم.

مامتغدان همچاو نیری تئیم. برنامههای آمایش منطقهای در عین حال که وجوددارد، بایدبیش از پیش تقویت شود،دید گامیاید بیشتر به سمت مراتب جمعیتی و پراکنش جمعیت هم باید در

در ۱۹۲۷، معمـار و فیلمسـاز اهـل وین، فریتز لانگ فیلم متروبولیـس را کارگردانی کرد و مفهوم کلانشـهری را با تمـام ابعاد به نمایش گذاشت، نگاه لانگ به سینما بهعنوان هنر آن عصر و آینه تمامنمای دوران منجر به تصویر ی شد که شــهر ی با نظام چند لایه یار دوقطبی و در عین حال با محتوای و بسـ سیاه و سیفید به نماییش درآمید. چهره کلانشیهر تصویری تیره، ماتمزده و افسرده بزکشـده بـا سـاختمان و خودرو اسـ تصویری در هم و گرفته با رزولوشت بسیار

متروپولیس على عرب احمدي معمار وشهر ساز

> زوال شهر منجر به زوال جامعه و درنهایت بهروند میشـودد و این خوا، رزوی ما از بستر زیست اجتماعیمان نبود. رروں ین مشــکلات را ما ایجاد کردہایم و مسئول رفع آن هستیم، آنچه در ادامه اشاره می شود متى از مىواردى است كــه راحت تر و سريع تر شناخته مى شوند.

ریں ر مهاجــرت و ازدیــاد جمعیت یکــی از این ت که دیگــر نخنما شــ كليدواژههاس ید رو طول زمان رنگ باخته است. معضل مهاجرت

از روستاها و شهرهای ساختوسازیی کیفیت،منابع جامعه شناستان پسی از کوچک به شهرهای بزرگ ساختوسازیی کیفیت،منابع انقسلاب کشاورزی در ماراازبين مىبردو آسي کار، توجوى جدى بەز يست بومماوارد امکانات و ... که خود عامل مي آورد كهاين مفهوم خود فرسودگی اجتماعی است درگیربامفاهیمشومدیگری در ایسن مدل کلانشسهرها نظير هدر رفتن سرمايها روزبسهروز يرازدحامتس خواهنـــد شــد، مــردم با هـــم غريبەتر مىشــوند و مسبر هاى إر تناطى به خاط حجم ترافيك وحمل ونقل بالا تعاملات (اجتماعی) شان کمتر و کمتر خواهد شد که ىيەندخەر دەاست،از ىكسە اینمسیرهاکلانشهرهارا خردمیکنندتا آسایشو این مفهوم با ماهیت شـهر در تضاداساسی است. نر ایسن مسدل مهاجران ازدٌیگر سُوی جُذابیّت تولید ــرای کســب درآمــد

. تأمین هزینــه زندگی و از دیگرسـوی نزدیک شدن ومصرفخودروهاراباعث مىشوند به مدُل زندگی کلانشهری به مشاغل خدماتے (و نه تولیــدی) روی میآورندو شــهر را به لحاظ

ســاختاری به مفهوم دونیمه شــدن و خود را به زندانی خود خواســته (کولهـاس) نزدیک مدل باید مســأله اقتصاد شـــهر و تولیـــد را در نظر بگیریم و پررنگ کنیم، (کلان)شــهرهای ما شــهرهای مصرف کنندهاند و این ریشه در شکل گیری اولیه کلانشــهرهای ما دارد که در ہے کنند

. حجــم بــالای ساختوسـاز ناشــی از ولع اقتصادى و تبديل شدن ساختمان به كالاى مــورد معامله (بــه این موضـوع کیفیتهای ناشيانه و سيطح پايين هويت و ساخت بناي ناشم از ورود خيل افراد غير متخصص به اين مرصه که ثروتی بهــم زدهاند و این عرصه برای تحار تشــان هم حذاب اســت را هـــم اضافه كنيد)، تخريب چهرههاي قديمي تر (كلان) شهرها حس تعلق (به مکان) و خاطره جمعی ېترک را نابود می کند و پیوندهای مکان-فضا-فرد را از هم می گسـلد، در این مدل فرد تصاویر گذشــته خود را بازخوانــی نمی کند و بیماری فراموشــی اجتماعی گریبانگیر شهر و حامعەمىشود.

از سوی دیگر ساختوساز بی کیفیت، منابع ما را از بین مے برد و آسیب های جدی به زیست بوم ما وارد می آورد که این مفهوم خود در گیر بامفاهیم شـوم دیگری نظیر هدر فتن سرمایه

درجستوجوىناكجاآباد

وسمعه كلانشمهر همواره بامفهوم تود افزايش مسير هاى ارتباطى به خاطر حجم ترافيك و حمل ونقل بالا پيوند خورده است، از يکسو اين سيرهاكلانشيهرهاراخردمى كنندتا آسايشو سرعت بيشتر رافراهم كننداز ديگر سوى جذابيت

تولیدومصرفخودروهاراباعث میشوند. توسیعه شیبکههای ارتباطی دست فراموشی بیهودگی است. چهرهها (کلان) شــهرها را دگر گون میسازد.



استفادہ می کند در انگلستان ہم بپذیرتر شــدن شــهرهای بزرگ در کسالی روبه رومی کندالبته این موضوع مشکل بیشتر

نهااز قرن ۱۹ میلادی به بعد به فکر جلوگیری از تمر کز در ايران كمتر از ١٠ميليون وسيله نقليه داريم كه در

به سرخی می است به یی و عینی به سورت مسلم یی ا عوامل بیرون از شـهرهای بـزرگ اشـاره کردید. به عبارت دیگر اگر با اعمال برخی سیاست ها شهرهای ئوچیک افزایش پیدا کنند، میل به مهاجرت به روپ - در کارهش پیدامی کند. حالا اگر بنا باشد شهرهای بزرگ کاهش پیدامی کند. حالا اگر بنا باشد راى بهبودوضع شهرهاى بزرگ از درون آنهادست به کارشویم، چهباید کرد؟ محله محور بودن، جلوگیری از ورود وسایل نقلیه به

دبچەھا

مريدهاند من مى مىسومد رحين تصافي مانيه المكانات وقد و آمد مدرست و خريد و -وجود ندارد بلکه در سيارى از موارد حتى امکان بهره گيرى از نور طبيعى اقتاب هم نيست، راه حل آن است که در مسأله تراکم اعتــال را در دستور کار قــرار هميم واز فــروش تراکم

کشورصورتبگیرد.

مناطق ایران است اما مسلما شــهرهای بزرگ به نسبت منابع آب محدودی دارند، در مقایسه با شهرهای کوچک ئەمنابعشان كفاف نيازهاي خودشان رامى دهد،بامشكل

به نظر می رســد شهر ســازی و معمــاری در این میان به سر عی مسیم سری سری مری سری سری سر نقشــی دوگانه دارند. به عبارت بهتر در پارهای موارد علت برخی نابسامانی ها هســـتندو در مواردی دیگر خودشــان معلول مشــکلات واقع می شــوند. شــما بتهای مختلف موجود، هر دو می توانند .ر ىلت و معلول واقع شـــوند. وقتى جمعيتى به طرف شهر بى آيند،نياز بەمسكن بالامى رود،عرضە وتقاضاى مسكن باعث افزایش قیمت مسکن می شود، این مورد هم علت تغییر شــکل و شمایل خانههای شــهر را در پی دارد، زیرا

بەنظر مىرىسد با اين توضيح بە صورت مناسبى بە

رافيكى نيست.

موضوع فرهنگ بیگانــه نیســتند. بنابراین جوامع شهریراچگونهمیشودمتوجهآسیبهاکرد؟ هامطلع